



غیبت؛ موضوعی که همه معصومین به آن اشاره کرده اند/ فرق حضور و ظهور

وقتی یک موضوعی در بین زبان همه ائمه و معصومین ما، همه به آن اشاره کردند معلوم می شود که یک مسئله مهمی در آن وجود دارد.

وقتی یک موضوعی در بین زبان همه ائمه و معصومین ما، همه به آن اشاره کردند معلوم می شود که یک مسئله مهمی در آن وجود دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه بیست و هشتم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

در باب غیبت امام عصر که یک مقطع از زندگی امام است باید اول مفهوم غیبت را بفهمیم.

غیبت در لغت به معنای پوشیده بودن و مستتر بودن از دیدگان و چشم است. بنابراین به کسی غائب می گویند که ظاهر نیست ولی ممکن است حاضر باشد.

پس مفهوم غیبت مقابل ظهور است نه در مقابل حضور. اگر ما می گوئیم خدا غائب است به معنای این است که ظاهر نیست نه اینکه حاضر نیست. در همه جا حضور دارد ولی برای دیدگان ما ظهور ندارد.

وقتی ما اصطلاح غیبت را به امام عصر نسبت می دهیم و می گوئیم امام غائب آن هم به همین معناست. غیبت به مقطعی از زندگی امام بازمی گردد که آن وجود نازنین از چشمان مردم غائب است. آنها او را نمی بینند این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد. پس امام حضور دارد ولی ظهور ندارد و این به معنی غیبت است.

مباحثی که با بحث غیبت گره می خورد این است که تمام معصومین به شکل پیشگویی غیبت امام عصر را متذکر شده اند. ما روایاتی داریم که غیبت را به طور حتمی بیان می کند و سومین بحثی که مطرح می شود این است که امام چند نوع غیبت دارند و تفاوت این غیبت ها با هم چیست و ویژگی های این غیبت ها چیست و تکالیف ما در این غیبت ها چیست و چه تفاوت هایی دارد. چهارمین بحثی که مطرح می کنیم این است که می گوئیم وقتی امام غائب است به چه معنا غائب است؟ یعنی امام دیده نمی شود به این معنا که نامرئی است و یا دیده نمی شود به این معنی که شناخته نمی شود، ما او را می بینیم اما آن را نمی شناسیم.

پنجمین بحث علت است. چرا امام عصر باید غیبت کنند؟ ششمین بحث این است که فوائد امام غائب چیست؟ آیا ما از برکات امام غائب استفاده می کنیم؟ هفتم این که امام در این مقطع در کجا زندگی می کند و آیا زن و بچه دارد؟ داستان سرداب مقدسه چیست؟

دشمنان ما این مکان مقدس را به اوهام و خرافات آغشته کردند مثلاً عقایدی را مطرح کردند که شیعه چنین عقیده ای ندارد.

بحث دیگری که خیلی مهم است این است که غیبت صغری و امامت فرد ۵ ساله امکان پذیر است؟ اینها سوالاتی است که در بحث غیبت به آن می پردازیم.

بحث اول این است که وقتی یک موضوعی در بین زبان همه ائمه و معصومین ما، همه به آن اشاره کردند معلوم می شود که یک مسئله مهمی در آن وجود دارد.

من به مجموعه ای از روایات که از ناحیه معصومین در باب غیبت صادر شده اشاره می کنم و بعد مسئله دوم را می گویم که غیبت حتمی است. بحث فواید و علل غیبت را هم بحث خواهیم کرد.

پیامبر فرمود: «إِسْمُهُ مِنْ وَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشَبَّهُ النَّاسَ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا تَكُونُ لَهُ عِيَّةٌ»؛ یعنی فرزندان مهدی نامش نام منست و کنیه اش کنیه من در خلقت و اخلاق اشبه مردم است بمن

اسبغ ابن نباته از امیرالمومنین نقل می کند «إِنَّهُ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَمَا لَيَغَيَّبَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ»؛ یعنی علی علیه السلام نام قائم را برد و فرمود هر آینه غائب شود تا آنکه جاهل گوید برای خدا در آل محمد حاجتی نیست.

حدیث سوم از امام حسن مجتبی است که می فرمایند «ما مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعُهُ لَطَاغِيهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يَصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَخْفِي وَلَادَتَهُ وَ يُغَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعُهُ»؛ یعنی هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر آنکه بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً بر عهده دارد. مگر حضرت قائم که عیسی بن مریم، روح الله پشت سر او نماز می گذارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان، غایب می گرداند، تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد.

امام در اینجا به نوعی به یکی از حکمت های غیبت اشاره می کنند و آن این است که امام به دور از بیعت طواغیت باشند.

از امام حسین (ع) روایت شده که «إِنَّ الْقَائِمَ هَذِهِ الْأُمَّةُ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ»؛ یعنی قائم این امت نهمین فرزند من است او صاحب غیبت است.

از امام سجاد روایت شده است که «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنَتِرُونَ لِيُظْهِرَهُ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ يَمْنَزِلُهُ الْمُشَاهِدَةُ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَمْنَزِلَةَ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَيْعَتُنَا صِدْقًا وَ الدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا وَ قَالَ (عليه السلام) انْتَظَرُوا الْقَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْقَرَاجِ»؛

یعنی ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد به امامت وی هستند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمانها بهترند؛ زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آن ها حکم مشاهده را دارد! خداوند آن ها را در آن زمان مثل کسانی می گرداند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده اند، آن ها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می خوانند. و هم فرمود: انتظار فرج بزرگترین فرج است.

امام باقر (ع) می فرمایند «إِذَا دَارَتْ أَلْفَلَكُ وَ قَالَ النَّاسُ مَاتَ الْقَائِمُ أَوْ هَلَكَ يَأْيَ وَادٍ سَلَكَ وَ قَالَ الطَّالِبُ أُنَى يَكُونُ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَّيْتُ عِظَامَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَارْجُوهُ فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ قَأْتُوهُ وَ لَوْ حَبَوْا عَلَى التَّلْحِ»؛ یعنی چون فلک دوچار بچرخد و مردم بگویند: قائم مرده و یا هلاک شده و در کدام وادی سلوک می کند؟ و طالب بگوید: کجا قائمی وجود دارد و استخوانهای او نیز پوسیده است. در این هنگام بدو امیدوار باشید و چون دعوت او را شنیدید نزد او بروید گرچه به صورت سینه و خیز و بر روی برف باشد.

امام صادق (ع) می فرماید «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمُ، يَرَى النَّاسُ وَ لَا يَرُونَهُ»؛ یعنی برای قائم ما دو غیبت وجود دارد، در ایام حج حضور پیدا می کند، مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند.

امام کاظم (ع) می فرماید «إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ، لَا يَزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ»؛ یعنی پنجمین نسل از امام هفتم وقتی مفقود شد، مراقب دین خود باشید و نگذارید شما را از دین جدا کنند.

امام رضا (ع) می فرماید «إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سَنِّ الشَّيْخِ وَ مَنْظَرِ الشَّابِّ قَوِيَا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْثَرِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صَخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى، وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ. ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي، يَغَيِّبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ»؛

یعنی قائم کسی است که در سن شیوخ و منظر جوانان قیام کند و نیرومند باشد به غایتی که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند آن را از جای برکند و اگر بین کوهها فریاد برآورد صخره های آن فرو پاشد.

عبدالعظیم حسنی از امام جواد (ع) روایت می کند «إِنَّ الْقَائِمَ مِمَّنْ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ»؛ یعنی ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند.

شخصی از امام هادی(ع) روایت می کند «إِنِّي أَخْلَفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ يَا سَمِيعُ قُلْتُ فَكَيْفَ تَذَكَّرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛

یعنی جانشین من پس از من فرزندم حسن است شما چگونه باشید در جانشین بعد از آن جانشین؟ عرض کردم قربانت چرا؟ فرمود چون شخص او را نبینید و بردن نام او برای شما روا نباشد؛ عرض کردم پس چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود بگوئید حجت از آل محمد(ص).

امام حسن عسکری می فرماید «إِنِّي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَائِدُونَ»؛

یعنی پسر من محمد، او است امام و حجت بعد از من هر کس بمیرد و او را نشناسد بمردن جاهلیت مرده است آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند و مبطلان در آن هلاک گردند وقت گذاران در آن دروغ گویند.

لذا من می خواستم به این نکته اشاره کنم که از همه معصومین روایاتی در مورد غیبت امام زمان وجود دارد. وقتی موضوعی مورد اشاره همه قرار گرفته است نشان از اهمیت آن دارد.

بحث بعدی این است که در روایات تاکید بر حتمی بودن غیبت شدن است. حتمی بودن به این معنی است که اینطور نیست که خدا از غیبت امام عصر منصرف شود و این قطعی است. روایات برای زمان امام رضا و امام صادق است.

«إِنِّي أَخْلَفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ يَا سَمِيعُ قُلْتُ فَكَيْفَ تَذَكَّرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛ یعنی این که خداوند در ازل یک حکمی می کند و بعد از آن حکم انصراف می دهد. این جز معتقدات شیعه است. یک موضوعی در علم خدا پیش بینی می شود اما تغییر پیدا می کند. غیبت از آن زمره نیست. اما ظهور جز این زمره است. به این معنا که مثلاً ممکن است در علم حضرت حق لحاظ شده باشد که هزار سال بعد ظهور حاصل شود اما اگر ما درست تکالیف خود را انجام دهیم آن هزار سال به پانصد سال تبدیل شود. ظهور امام «إِنِّي أَخْلَفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ يَا سَمِيعُ قُلْتُ فَكَيْفَ تَذَكَّرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛ پذیر است اما غیبت آن حضرت حتمی بوده است.

امام رضا(ع) از پیامبر(ص) فرمودند «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيَغِيْبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي»؛ یعنی قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد به تحقیق که امام قائم علیه السلام از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست غایب شود.

امام صادق می فرماید «إِنِّي أَخْلَفُ مِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ يَا سَمِيعُ قُلْتُ فَكَيْفَ تَذَكَّرُهُ قَالَ قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛ یعنی آگاه باشید، به خدا قسم امام شما سالها چندی از روزگار شما غایب خواهد شد.

امام صادق می فرماید «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيَغِيْبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي»؛

امام عسکری می فرماید «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيَغِيْبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي»؛ یعنی به خدا سوگند که او غیبت می کند.

اینکه ما در دوران غیبت، می توانیم امام را ببینیم یا نه و یا اینکه آیا امام ناپیداست یا ناشناس است؟ سؤالاتی است که در جلسات بعد به آن خواهیم پرداخت.